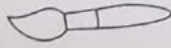


# «آرش کمانگیر»

## آموختنی‌ها

- ۱ آشنایی با پهلوانان ایرانی و روحیه‌ی دفاع از میهن
- ۲ شناخت و کاربرد انواع جمله
- ۳ آشنایی با نشانه‌های ربط «و»
- ۴ آشنایی با حرف ندا و منادا



## جعبه‌ی کلمات

### کلمات مترادف

واپسین: آخرین  
 توران: نبرد ایرانیان در منطقه آسیای میانه  
 پهلوان: دلیر  
 پایداری: ایستادگی، مقاومت  
 استوار: پابرجا، پایدار، محکم  
 چاره: راه، چاره‌اندیشی  
 سرانجام: عاقبت و پایان کاری  
 قامت: قد و بالا، اندازه  
 گهر: گوهر، مروارید  
 چست: چالاک، چابک  
 نهانی: پنهانی  
 گریزان: شتابان، فراری  
 جاودانی: ابدی  
 بامداد: صبح زود  
 فرود آید: پایین بیاید

نبرد: جنگ  
 اندوهگین: غمگین  
 بردباری: صبر، سلیبایی  
 تصمیم گرفتن: قصد کردن  
 خاور: شرق  
 تحقیر: کوچک شمردن  
 سامان دادن: منظم کردن  
 ماهر: زبردست  
 رشید: راست‌قایت - دلدار  
 تناور: تنومند  
 نقص: عیب  
 تیزبال: سریع  
 زمزمه: تکرار  
 سرپنجه: نیرو  
 پولادین: بسیار محکم

وزنده: در حال وزیدن

غرّان: در حال غریدن

وارونه: برعکس

خرم: بسیار خوب جان

بی تاب: بی قراری، ناآرامی

کمان: ابزار تیر اندازی

نگریست: نگاه کرد

دیرین: گذشته

کلمات متضاد

تیره ≠ روشن

تنگ ≠ گشاد

نازک ≠ ضخیم

بی جان ≠ جاندار

شیرین ≠ تلخ

نامید ≠ امیدوار

آشتی ≠ قهر

پیروزی ≠ شکست

سختی ≠ آسانی

دیوانه ≠ عاقل

خاور ≠ باختر

کلمات هم خانواده

مشکل، اشکال

نقص، ناقص

ماهر، مهارت

رشید، رشادت

تحقیر، حقیر، حقارت

توانا، توانایی، توان، توانمند

ارش کمانگیر

نبرد طولانی و خسته کننده شده بود و همه نگران بودند. سرانجام دو سپاه تصمیم می گیرند که آشتی کنند. تورانیان پیشنهاد می کنند که پهلوانی ایرانی تیری به سوی خاور پرتاب کند و هر جا که تیر فرود آمد آنجا مرز ایران و توران باشد. آرش، کماندار ایرانی، این تیرانداز ماهر ایرانی خود را برای پرتاب تیر آماده کرد و با قدم های محکم از کوه بالا رفت دم قله رسید. در آن جا دست به دعا برداشت و زمزمه کرد «ای خدای آسمان ها! ای آفریدگار کوه ها و دریاها! مرا یاری کن تا سرزمین ایران را از دست دشمنان رها کنم.

سپس با تمام توان کمان را کشید و تیر همچون پرنده ای تیزبال از کوه ها و دره ها گذشت و بر تنه ی درخت گردویی که از همه تناورتر بود نشست و آنجا مرز ایران و توران شد. آری، آرش برای سربلندی ایران جان خود را از دست داد.

این خبر را هر دهانی، زیر گوشی، بازگو می کرد:  
آخرین فرمان  
آخرین تحقیر

مرز را پرواز تیری، می دهد سامان  
گر به نزدیکی فرود آید  
خانه هامان تنگ  
آرزومان، کور  
ور پیرد دور  
تا کجا؟ تا چند؟

آه! کو بازوی پولادین و کو سر پنجهی ایمان؟

- این خبر، دهان به دهان در گوش هم تکرار می شد:

فرمان آخر، که بسیار خوارکننده و تحقیر آمیز بود، این بود که:

با پرتاب تیری، مرز سرزمین ایران تعیین می شد و نظم می یافت.

اگر تیر، در نزدیکی بیفتد، سرزمینمان کوچک و آرزوهایمان به نا امیدی تبدیل می شد؛

و اگر تیر دور بیفتد، این که تا کجا و چقدر دور...

آه! آیا بازوی نیرومند و نیروی با ایمانی وجود دارد که چنین پرتابی بکند؟

آری، آری، جان خود در تیر کرد آرش

کار صدها، صد هزاران تیغی شمشیر کرد آرش

- آری، آری، آرش تمام جان خود را در تیر گذاشت و با این کارش، انگار به اندازهی صدها، بلکه

هزاران شمشیر در جنگ تاثیر گذاشت.

دانش آموزان عزیز در درس ششم دربارهی فداکاری، میهن دوستی، از خودگذشتگی، ایثار و وطن پرستی مطالبی آموختیم. افراد

فداکار با همت و غیرت از همه داشته ها و زندگی خودشان می گذرند تا انسان های دیگر بتوانند راحت تر زندگی کنند.

شهادت هم با از خودگذشتگی، کشور عزیزمان ایران را در مقابل دشمن حفظ کردند.

آیا می توانی نام چند شهید از خودگذشته را بیان کنی؟ این ممت توسط دانش آموز نوشته شود

یکی دیگر از فعالیت‌هایی که املا را تقویت می‌کند پیدا کردن کلمات از جدول حروف و نشانه‌هاست.  
الف: تمامی کلماتی را که می‌توانی به صورت ←، ↓، و ↘ از جدول پیدا کنی را بنویس. (به جاهای خالی دقت کن.)

غ	ت	ب	ا	ی	س	ا	ر	ف	ا
ر	ح			ه	ا	پ	س		ط
ا	ق	ن	و	ح	ی	ج	ت		و
ن	ی			ز		ی	و		ل
	ر		م		غ		ا		ا
		ز	ن	ه		ر	ص	ق	ن
	م		ت			ش			ی
ه			ظ		ی	م	ر	خ	ه
			ر	د		ر	ه	ا	ا
ن	ی	د	ل	و	ب	ی	و	ر	ا

مرز را پرواز تیری می‌دهد.

رستم بارها امرا را شکست داد.

مخالف خاور، باختر است.

هم خانواده ماهر ..... است.

شعر زیبای باران را ..... سروده است.

مخالف کلمه سختی ..... است.

کار صدها ..... تیغی شمشیر کرد آرش.

مردم از پیر و جوان به سمت ..... حرکت کردند.

آرش بی جان بر ..... افتاده بود.

سپاه توران به فرماندهی افراسیاب از رود ..... گذشته بود.

این خیر را هر دهانی، زیرگوشی، بازگویی کرد: آخرین فرمان آخرین ..... .

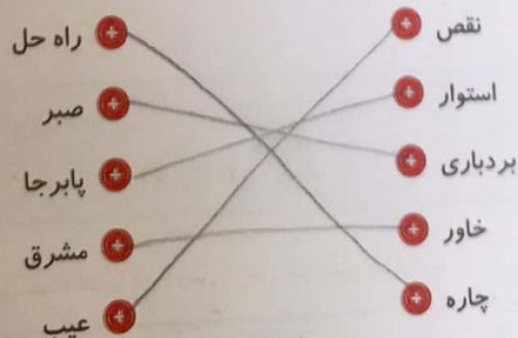
روزگار به سختی می‌گذشت و چاره‌ای جز ..... نبود.

آرش کمانگیر، ماهر ایرانی، خود را برای پرتاب این تیر آماده کرد.

ب: تعداد کلماتی را که پیدا کردی و نوشتی با دوستان خود مقایسه کن.

## تمرین

کلمات هم معنی را به هم وصل کن.



# علوی

۲ درستی  و نادرستی  جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.  
 الف: شعر باران از گلچین گیلانی، است.   
 ب: «خاور» به معنی «غرب» است.

پ: تیر، در کنار رود جیحون بر ساقه‌ی درخت اناری که بسیار تناور بود، افتاد.   
 ت: (ای توانایی که به ما توانایی بخشیدی) از یک جمله تشکیل شده است.

۳ کلمات زیر را کامل کن.

تیزبان ...بال	قاف ...قا...	تورسان - ابرسان ...نیان	طولانی ...لانی
...باری	تیر... تیرانداز	منت... منتظر	...گیر کمانگیر

حالا با انتخاب دو کلمه به دلخواه، یک جمله‌ی زیبا بنویس.

برای انتخاب دانش آموز...

۴ کلمه‌ها را به‌طور مناسب دوبه‌دو کنار هم قرار بده و واژه‌های جدید بساز.

گوشی - جنگ - خسته - تیر - جویان - بلندی - کمان - کننده - زیر - سر

خسته‌کننده	جید جویان	زیرگوشی
	سربلندی	تیرکمان



۵ کلمات هم‌خانواده را مثل هم رنگ کن.

مهارت	صبر	تحقیر	منظور	محلّه	منتظر	صابر	حقّه	تصمیم
طول	مهره	حقارت	طولانی	ماهر	عمل	علی	حقیر	صبور

۶ مخالف کلمه‌های زیر را بنویس.

قهر ≠ آستی  
نهان ≠ آستار

پیروزی ≠ شکست  
اندوهگین ≠ شادخوشحال

خاور ≠ باختر  
دشوار ≠ آسان

۷ بازی با نقطه، را، با دوستانت انجام بده. (با جابه‌جا کردن، کم یا اضافه کردن نقطه‌ها، کلمه‌های جدیدی بنویس.)

	←			←	
	←			←	
	←			←	
	←			←	

۹ از ترکیب کردن حرف‌هایی که از قوری بیرون می‌آید، ۴ کلمه‌ی معنی‌دار بساز و بنویس.



صادق    صارق  
نقص    ارب



نقص - ارب - صدق -

۱۰ با توجه به علائم نگارشی داده شده، از متن درس یک جمله متناسب با هر علامت بنویس.

آرش از کوه بالا رفت ،  
 مهربان سیر حقد رستم تواند دور شود ؟  
 راستی همیشه نهد رستواری !

۱۱ در این درس، با آرش، پهلوان ایرانی آشنا شدیم؛ نام چند پهلوان دیگر ایران را بنویس.

زال    سهراب    آرش    رستم



خاطره‌ی زیر را با دقت بخوان و به قسمت‌هایی که با رنگ صورتی مشخص شده است، توجه کن.

من خواهم خاطره‌ای از روزهای تعطیلات تابستان برایت تعریف کنم. مدرسه‌ها تعطیل شده بود. من به همراه خانواده برای گذراندن تعطیلات به باغ زیبای پدرم رفتم. من عاشق این باغ بودم و دوست داشتم از صبح تا شب در این باغ بچرخم. از درختان سیب و آلبالو بالا می‌رفتم. میوه می‌چیدم. یک روز بعد از نهار همگی به رودخانه‌ای که در نزدیکی باغ بود رفتیم. من که از آب‌بازی خوشم می‌آمد؛ با سرعت خود را درون رودخانه انداختم اما چون جریان آب زیاد بود ناگهان متوجه شدم آب من را با خود می‌برد اما شانس با من بود چون پدرم که در آن نزدیکی بود خود را به من رساند. من را از آب بیرون کشید. در آن روز من توانستم به کمک پدرم جان سالم به در ببرم. یاد گرفتم قبل از انجام هر کاری فکر کنم.

الف: از متن بالا سه جمله انتخاب کن و جدول را کامل کن.

پیام جمله	جمله
خاطره تابستان	من خواهم خاطره‌ای از روزهای تعطیلات تابستان تعریف کنم.
تعطیلات مدرسه	مدرسه‌ها تعطیل بود.
علاقه به باغ	من عاشق این باغ بودم و دوست داشتم از صبح تا شب در این باغ بچرخم.

ب: حالا دو جمله که با نشانه‌ی ربط «و» به هم وصل شده‌اند را بنویس. دانش آموز

..... (۱)

..... (۲)

با توجه به سوالات داده شده، پاسخ مناسب را انتخاب کن.

الف: کدام گزینه یک جمله‌ی کامل نیست؟

- (۱) می‌دویدم همچو آهو (۲) باز باران با ترانه (۳) دور می‌گشتم ز خانه (۴) می‌خورد بر بام خانه

ب: کدام یک از کلمات زیر از دو بخش تشکیل شده‌اند؟ (غیر ساده هستند.)

- (۱) تحقیر (۲) نزدیک (۳) دشوار (۴) گلگون

پ: کلمه‌های جا افتاده در شعر زیر، به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

«گردش یک روز دیرین / خوب و شیرین / توی جنگل‌های .. لیلان / دور می‌گشتم ز .. جایزه ... / می‌شنیدم از پرنده / برق چون شمشیر .. بیلان. / پاره می‌کرد (پرچه) .. را»

- (۱) ایران، آنجا، غزان، ابرها (۲) گیلان، خانه، بزآن، بادها (۳) گیلان، خانه، بزآن، لبرها (۴) شمال، خانه، بزآن، ابرها

استبانه چایی سے ابرها



## خوانش و پردازش



متن زیر را بخوان و به پرسش‌ها پاسخ بده.

۱۴

روزی پادشاهی خواست به فرزندان خود پندی بدهد. فرزندان را به نزد خود فرا خواند و چوبه‌ی تیری از تیردان بیرون آورد و به آن‌ها داد و گفت: «بشکنید». آن‌ها با نیروی کمی شکستند. بار دیگر دو عدد داد. باز به آسانی شکستند.

بدین ترتیب بر تعداد چوب‌ها افزود تا به این که تعداد آن‌ها بیش از ده چوب رسید. آن موقع فرزندان از شکستن چوب‌ها عاجز شدند.

پادشاه رو به فرزندان کرد و گفت: «ای فرزندان! حال شما در زندگی هم این گونه است. تا هنگامی که یاور و پشتیبان هم باشید، دشمن نمی‌تواند بر شما چیره شود و سالیان دراز می‌توانید پیروز و قدرتمند بمانید.»

«جامع التواریخ - خواجه رشیدالدین فضل‌الله»

الف: عنوان مناسبی برای داستان انتخاب کن.

اعتماد داشتن آموختن (بزرگواران) (پادشاه دانا) (اتحاد و همدلی)

ب: پادشاه چه درسی به فرزندان خود داد؟

۲) دین‌داری

۱) صداقت

۴) رفاقت

۳) اتحاد و همدلی

پ: چرا پادشاه فرزندان را نزد خود فراخواند؟

من خواست به آن‌ها پند بدهم. با هم اتحاد و همدلی داشته باشند.

ت: فرزندان از شکستن چوب‌ها چه موقع ناتوان شدند؟

موقعی که تعداد چوب‌ها بیشتر شده بود.

ث: به نظر شما چرا پادشاه چوب‌ها را مرحله به مرحله زیاد کرد؟

تا بتدریج چوب‌ها را بشکنند و در آخر هم علت زیاد شدن چوب‌ها یعنی اتحاد